



# تعلیم و تربیت در ایران باستان

پژوهشگر = فروغ اعظم علی شاهرودی

## پیش گفتار

تاکنون موضوع «تعلیم و تربیت»<sup>(۱)</sup> از دیدگاه‌ها و جنبه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. دانشمندان و علمای فن هر یک با توجه به تخصص خود در باب این موضوع سخن گفته‌اند. در این بررسی، چگونگی تعلیم و تربیت در دوره‌های تاریخی ایران باستان مورد توجه قرار گرفته است.

## شناخت پیشینه‌ی تاریخی

تعلیم و تربیت در ایران، در واقع آشنایی با پایه‌های تداوم تمدن در ایران از دوران باستان تاکنون است. پژوهش در امر تداوم

گسترش شهرنشینی، تبادل فرهنگ‌ها و عدالت اجتماعی باعث باروری تمدن‌ها می‌شود.

تمدن‌ها این حقیقت را آشکار می‌سازد که اگر تمدنی بر مبنای و اصول پایه‌ریزی شده باد که سطحی و زودگذر نباشد و دارای اصالت و ویژگی‌های برجسته‌ای باشد، آن‌گاه بنای آن تمدن بر پایه‌های محکمی استوار خواهد شد و تداوم آن همیشگی خواهد بود. توجه به تعلیم و تربیت در ایران باستان مشخص می‌کند که اگر اساس و پایه‌های آن ناستوار و غیراصیل بود، در عصر خود نیز عملی و موفق نبود و تمدن امروزی نیز سهمی از آن نمی‌برد.

**خط مشی تعلیم و تربیت همواره بر دو پایه‌ی دین و دولت استوار بوده است و ویژگی‌ها و اصول آن از این دو منبع سرچشمه می‌گیرد.**

دین به انسان و هدایت او در زندگی با دید خاصی می‌نگرد. اما دولت به انسان با دید سیاسی نگاه می‌کند. دولت‌ها در جهت اداره مملکت با حفظ ویژگی‌های قومی و ملی اهدافی را در نظر دارند. بنابراین، دو عامل مذکور خط مشی تربیت و تعلیم را محقق می‌سازند.

**تاریخ ایران** با ورود آریایی‌ها در ۳۰۰۰ تا ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد به فلات ایران آغاز می‌شود. (۲) این سرزمین، قرن‌ها قبل از ورود آریایی‌ها به وسیله‌ی بومی‌های غیرآریایی مسکون بوده است. از همان ابتدای ورود، این مهاجران آریایی، با بومیان به طریق صلح‌آمیز برخورد و سازش کردند و باعث دگرگونی‌های سیاسی فراوان در این سرزمین شدند. آنان هم‌چنین روش زندگی و فرهنگ خود را در پهنه‌ی فلات ایران رواج دادند. اما در مورد برخی مبنای فرهنگ معنوی و انگاره‌های دینی، زیر تأثیر بعضی از باورهای کهن مردم فلات قرار گرفتند. اما در نهایت، باورهای دینی و قومی آنان بر پایه‌ی معنویت و آمیزه‌ای از مبارزه با قدرتهای اهریمنی، غلبه‌ی روشنائی بر تاریکی، ستایش پاک و نیروهای والا بود.

**دکتر عبدالحسین زرین‌کوب** در مقدمه‌ی کتاب «تاریخ مردم ایران قبل از اسلام» می‌نویسد: «قوم ایرانی از آغاز ورود به فلات ایران، در راه ایجاد و توسعه فرهنگ و تمدنی انسانی و پرچار و در مبارزه با تهدیدهای داخلی و خارجی که نیل به این غایت را برای آنان دشوار

می‌کرد، تلاش کرده است. این‌که پایان آن دوران در آغاز اسلام منجر به بسط و توسعه بیش‌تر در ابعاد انسانی این فرهنگ گشته است نشان می‌دهد که گذشته باستانی قوم بر رغم پندار کوتاه بنیان بی‌حاصل نبوده است و اگر دست‌آورد آن در ساخت دین و دانش با آنچه در عهد اسلام عاید وی شده قابل مقایسه نیست. این معنی که مولود قدرت معنوی، آیین تازه است از اهمیت آن دوران - که گویی دوران آمادگی وی محسوب می‌شود - چیزی نمی‌گاهد؛ پیداست که بدون توجه به آن دوران طولانی، تاریخ مردم ایران در عهد اسلام را هم نمی‌توان در تمام ابعاد آن به درستی ارزیابی کرد»<sup>(۳)</sup>.

در فراز مهمی از تاریخ ایران باستان، دین زرتشتی حاکم بود. در حدود قرن هفتم قبل از میلاد، زرتشت ظهور کرد. خود او نیز از طبقه‌ی روحانیون بود و هم‌چون دیگر روحانیان عصر خویش، تعلیم و تربیت خاصی را برای دستیابی به اسرار حرفه‌ی خویش آموخته بود.



**نگرش دین زرتشت** به انسان و هدایت و تربیت او، مهم‌ترین اصل در بنیان و شکل‌گیری تعلیم و تربیت در این دوره از تاریخ ایران است. از آن‌جا که ریشه‌ی تمدن در زمینه‌ی تعلیم و تربیت بارور می‌گردد، می‌توان پایه‌های بنای تمدن ایران باستان را در اصول و معارف دین زرتشتی جست‌وجو کرد.

۱- معنای «تعلیم و تربیت» گسترده‌تر از «آموزش و پرورش» می‌باشد؛ زیرا «آموزش و پرورش» در اصطلاح به سازمانی خاص با اهداف ویژه آموزشی و پرورشی برای کودک و نوجوان اطلاق می‌شود. اما، تعلیم و تربیت این‌گونه نیست و برای گسترده‌های وسیع‌تر آموزشی به کار می‌رود.

۲- درباره تاریخ مهاجرت آریایی‌ها بین تاریخ‌نویسان اتفاق نظر وجود ندارد و زمان‌ها و تاریخ‌های متفاوتی را ذکر کرده‌اند.

۳- عبدالحسین زرین‌کوب، تاریخ مردم ایران قبل از اسلام، امیرکبیر، ۱۳۷۷، ص ۹.



صفحه ۱۱

فرهنگ و تمدن هر قوم و ملتی، آمیزه‌ای از علم، هنر، اندیشه و اخلاق آن ملت است که در طول سال‌ها و قرن‌ها شکل گرفته است. این میراث، از راه تعلیم و تربیت نگاهداری و به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود.

شناخت و آگاهی به تعلیم و تربیت و چگونگی آن، شناخت دست‌آوردهای مادی و معنوی فرهنگ و تمدن است. تداوم تمدن و فرهنگ، لزوم انتقال این ارزش

فقر: بی‌سوادی، بی‌سوادی: نادانی،  
نادانی: ناسازگاری، ناسازگاری:  
مشکلات اجتماعی، اعتیاد و جنایت  
را به وجود می‌آورد.

یا دست‌آوردهای مادی و معنوی را ضروری می‌سازد.

پس از ورود آریایی‌ها به فلات ایران، آنچه شروع این تمدن را باعث شد پندار و

رفتار صلح‌جویانه‌ی این مهاجران با بومیان بود. در ادامه‌ی حرکت تاریخی، تحولاتی چند خمیر مایه‌ی پندارهای آریایی‌ها را پرورش داد. از جمله ظهور زرتشت و دین بهی و پاک او بود.

بعد از زاینده شدن، پاکی برای مردم بهترین است. آن پاکی دین زرتشتی است. کسی که (زرتشتی است) رفتار و زندگی خود را با نیت نیک، گفتار نیک، کردار نیک پاک می‌سازد (۷).

بدین ترتیب در ایران باستان، ویژگی‌ها و شایسته‌گی‌هایی که مشخصه‌های قومی و مذهبی این مرز و بوم و مردمانش گردید، دین زرتشتی بود. این‌ها بود که این تمدن را حفظ کرد و آن را ماندگار ساخت و در آن عهد نمونه‌ی آشکاری از فرهنگ برجسته‌ی زمانه‌ی خودش شد. آیین زرتشت بود که در سراسر دوران باستان پایه و اساس فرزندی، هنر، دانش و باورهای راستین مردم بود و تا پیدایش اسلام تحول ایجاد کرد. دست‌آوردهای تربیتی و اخلاقی این دین در زندگی قومی و فرهنگی آن مردمان درخشیدن گرفت.

### معانی و مفهوم تربیت

با توجه به اهمیت و ضرورت تعلیم و تربیت لازم است که درباره معنی و مفهوم آن نیز گفت‌وگویی داشته باشیم. بدون شناخت از دایره و گستره مفاهیم تعلیم و تربیت، تلاش برای انجام رسالت و هدف تربیت بی‌معنی خواهد بود. تعلیم و تربیت چیست؟ گستره آن کدام است؟ چه محدوده‌ای را دربر می‌گیرد؟ در رابطه با انسان شامل کدام جنبه‌ها و ابعاد وی می‌شود؟ تعلیم در لغت به معنای «آموختن، دانش‌آموختن و یاد دادن است» (۸).

۴- Voltaire

۵- به نقل از مقاله «ایران نیز حریمی برای گفتن دارد» نوشته محمد علی اسلامی ندوشن، از مجموعه «که از باد و باران...»، حافظ، تهران، ۱۳۶۸، ص ۱۹.

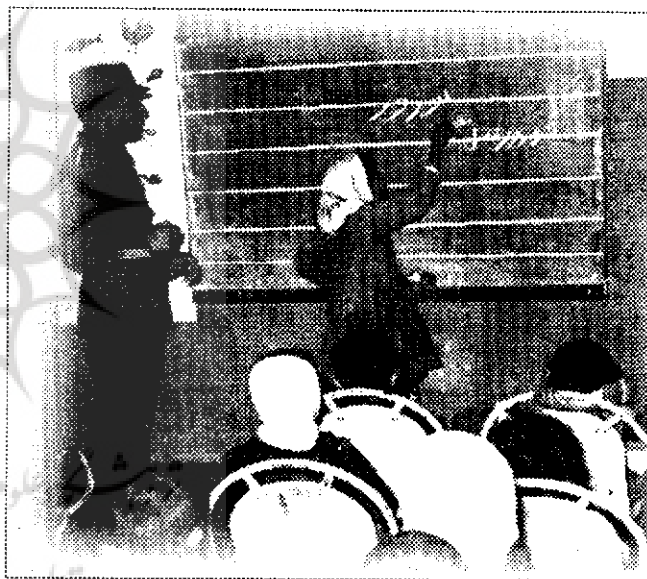
۶- محمد آراسته خوی، مقاله «درباره فرهنگ و ایدئولوژی»، وزارت فرهنگ و هنر، ۱۳۵۳، ص ۲.

۷- وندیداد، فرگرد ۵، ص ۴۷.

۸- فرهنگ معین، ج ۱، ص ۱۱۰۲.

توجهی که دین زردشت به امر تعلیم و تربیت افراد دارد و تمام جزئیات زندگی را تا زمان مرگ او در نظر می‌گیرد، بر اساس باروری اندیشه، معنویت و اخلاق انسان استوار است. اهمیت خانواده، در به وجود آوردن سرشت ذاتی و اکتسابی افواد نیز نادیده گرفتن نشده است؛ به علاوه مقام زن در خانواده و اجتماع نیز در این راستا دارای اهمیت ویژه‌ای است.

در این بررسی، معانی مختلف تربیت، چگونگی اعمال روش‌های تربیتی، اهداف تربیتی - مراحل مختلف آموزش و زمان مناسب تحصیل، مورد توجه قرار می‌گیرد. نگاهی به فراوانی مراکز آموزشی و وجود کتابخانه‌ها و انجمن‌های آموزشی، در دین زردشت بیانگر عمق توجه به دانش و لزوم آرایه‌ی زمینه‌ی مساعد برای استفاده از دست‌آوردهای معنوی بشر می‌باشد؛ و بالاخره مواد آموزشی که با توجه به ابعاد و ویژگی‌های مختلف انسان در نظر گرفته شده، برنامه‌ریزی دقیق را در جهت باروری و پرورش استعدادها، شکوفایی خلاقیت‌ها، اهمیت به هنر و حس زیبایی‌شناسی، لزوم مهارت و ورزیدگی و نیروی جسمانی، توجه به ویژگی‌های اخلاقی و آداب پسندیده اجتماعی و بسیاری از هدف‌های دیگر را نشان می‌دهد.



### ضرورت بررسی تعلیم و تربیت

در هنگام بررسی تاریخ دو نکته‌ی اساسی را درمی‌یابیم، یکی تداوم تمدن‌ها است و دیگر انحطاط آن‌ها. آنچه در این قسمت شایان توجه است، خمیرمایه‌ی تداوم تمدن‌ها می‌باشد. ولتر (۴) نوشته است: «عظمت یک ملت نه به قدرت نظامی او بلکه به درخشندگی فرهنگ و قانون‌هایی است که دارد» (۵).

بدین ترتیب، اساس و بنیان برجستگی و تداوم تمدن‌ها به خمیرمایه‌های فکری و اعتقادی آن‌ها بستگی دارد. البته، این تداوم تمدن از طریق فرهنگ انجام می‌شود و شالوده فرهنگ همان تعلیم و تربیت است.

«محمد آراسته خوی» درباره «فرهنگ و تعلیم و تربیت» می‌نویسد: «فرهنگ میراث اجتماعی است و به مفهوم راه و رسم زندگی است که در میان افراد و اعضای یک جامعه رایج است و افراد آن را کم و بیش از نسلی به نسل دیگر با گاهی تفاوت منتقل می‌کنند و وسیله‌ی مهم تعلیم و تربیت است آن هم غیرمستقیم» (۶).



عناصر بیگانه ایجاد شده بود.

**توجه به نیروی جسمانی و پرورش تن** در میان آریایی‌ها و سپس تداوم آن در آیین زرتشتی موجب توجه دقیق به این جنبه از وجود آدمی گردیده بود.

**اما ریشه‌ی پرورش روان** را باید در باورهای مذهبی مردم این سرزمین جست‌وجو کرد. برای دانستن پیشینه‌ی انگاره‌های دینی مردم ایران اعم از آریایی‌ها و بومی‌ها، باید رد آن‌ها را در آیین زرتشتی پی‌گیری کنیم، زیرا بسیاری از این باورها در پشت نقاب دین زرتشت پنهان شده است. در کهن‌ترین و اصیل‌ترین متن زرتشتی یعنی سرودها «گاته‌ها» یا «گات‌ها» که منتسب به خود زرتشت است، به آیین‌هایی که در این سرزمین رایج بود پی می‌بریم. این آیین‌ها در دین زرتشتی جای گرفتند و سالیان دراز در قالب این دین به بقای خود ادامه دادند.

**تعلیم از ریشه علم به معنی «معرفت و دانش، مقابل ظن و جهل است» (۹).**

لذا «ادراک مطلق یا حصول صور اشیا نزد عقل اگر به واسطه معلوم باشد علم حصولی است. از این‌جا علوم مختلف پدیدار می‌شود که منوط به این است که یقینی باشد یا وهمی و شکی، علم به کُنه باشد یا به وجه» (۱۰).

اما در معنای عام به هرگونه دانش، علم می‌گویند و شناسا و اهل آن‌را علم را دانشمند آن علم می‌گویند.

**اما تربیت چیست؟ هر**

گاه از تربیت سخن گفته می‌شود بیش‌تر دو معنی به ذهن می‌آید. یکی صفت‌های

اخلاقی و آراستگی به کردار و خلق نیکو است و دیگری به مدرسه رفتن و دانش آموختن. بدون تردید این هر دو معنی معقول و صحیح است، ولی تنها قسمتی از معنی و مفهوم وسیع تربیت را شامل می‌شود.

**ترتیب را به گونه‌های مختلف تعریف کرده‌اند؛** اما به نظر می‌رسد تعریفی جامع و کامل است که هم وجود و شخصیت افراد را از کودکی تا بزرگسالی مورد توجه قرار داده باشد و هم دربرگیرنده تمامی ابعاد و قوای او باشد. پس باید تربیت را با تمام شمول و گستردگی آن معنی کرد و به کار گرفت، در حوزه‌ای که به شمول و گستردگی خود انسان باشد و مشخص‌کننده مفهوم واقعی آفرینش و حیات او.

**در شناخت و ریشه‌یابی معنای تربیت** به این نکته برمی‌خوریم که: «تربیت از ماده «ربو» به معنای «بالا رفتن و اوج» است. بدین‌سان لغت تربیت به معنی اوج دادن و زمینه را برای بالا رفتن و رشد فراهم ساختن است» (۱۱).

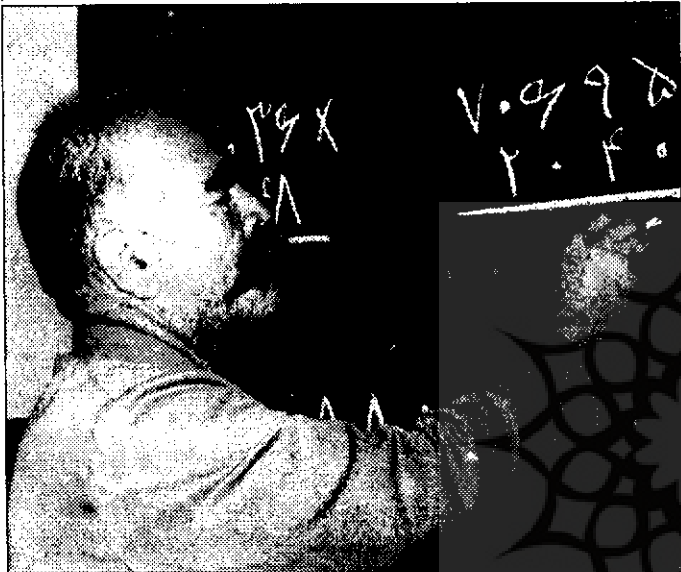
**این اوج دادن و زمینه‌سازی برای بالا رفتن را** باید به طور گسترده در نظر گرفت به طوری که تمامی جنبه‌های وجودی انسان را در جهت تعالی او دربر داشته باشد. لذا شامل معنویات، اخلاق، استعداد، خلاقیت، اندیشه و بسی جنبه‌های دیگر می‌شود.

### هدف‌ها و منظوره‌های تربیتی

**هدف و منظوره‌های تربیتی** هر قوم و ملت از راه تحقیق در زمینه‌ی اعتقادها، آرزوها، آرمان‌ها و کمال مطلوب آن قوم به دست می‌آید. اگر چه این هدف‌ها در جریان‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دست‌خوش تغییراتی می‌شوند، اما چنین به نظر می‌رسد که مبانی و پایه‌های اساسی آن ثبات طولانی‌تری داشته باشد.

**تعلیم و تربیت ایران در دوران باستان،** انعکاسی از جوهر و شالوده فکری رایج آن عصر بود. این قالب فکری متأثر از آرمان‌های مذهبی و ویژگی‌های ملی و قومی است. اما بنیاد آن به طور کلی بر دو اصل پرورش تن و تربیت روان استوار می‌باشد. این دو اصل چه در دین زرتشتی و چه در آیین‌های پیش از آن دارای اهمیت ویژه‌ای بوده‌اند.

**واژه «آریا» (۱۲)** که طایفه‌های «آریایی» بر خود نهاده بودند به معنای «نجیب و نژاده» و نشانه‌ی برتری‌جویی در مقابل بومیان بود. این واژه، نشان‌دهنده نوعی غرور برتری‌جویانه بود. این باور به علت نیروی جسمانی و زیبایی ظاهری آن‌ها در مقابل همسایگان بومی و



**هنگامی که زرتشت ظهور کرد،** پرستش خدای خیر و نیکی یا، اهورامزدا، به عنوان خدایی که بر همه‌ی ایزدان پیش از خود برتری انکارناپذیر دارد مطرح شد. اما خدایان دیگر که قبل از زرتشت در نزد آریایی‌ها و بومی‌ها مورد پرستش قرار می‌گرفتند، در آیین وی، آفریده یا دست‌یار اهورامزدا شدند. اهورامزدا هم گروهی از آن‌ها را به عنوان «امشاسپند» (۱۳) در کارگاه آفریدگاری خویش هم‌چون دست‌یار خویش پذیرفت که با خود او هفت - امشاسپند می‌شدند. این‌ها در آغاز پیدایش خویش در حکم چراغ‌هایی بودند که از چراغ نخستین، روشنایی گرفته باشند. این امشاسپندان در واقع از یک نظر جنبه‌هایی خدایی داشتند و از لحاظ دیگر، اوج کمال اوصاف انسانی به شمار می‌رفتند.

**بدین ترتیب،** شالوده آرمان‌های مذهبی در تربیت انسان در دین زرتشتی گرایش و اتصاف به اوصاف اهورامزدا و امشاسپندان بود. نیروها و قوای مختلف بسیاری از این ایزدان و امشاسپندان در اوستا ستوده شده است.

«ادامه متن و کتاب‌نامه در شماره آینده»

۹- فرهنگ معین، ج ۲، ص ۲۲۴۲.

۱۰- همان

۱۱- علی قائمی، خانواده و تربیت کودک، امیری، ۱۳۵۵، ص ۱۶.

۱۲- آریا در اوستا airya و در پارسی باستان ariya می‌باشد.

۱۳- Ameshaspenta به معنی «بی‌مرگ مقدس» یا «جاودانی مقدس» است.